

Research Paper

Ecocity approach and the role of women in entrepreneurship and ecocity planning

Mahboob Reyhan Kalvanaq *¹

¹ PhD student of geography and urban planning, Zanjan University, Iran

Keywords

**planning eco city
entrepreneurship
woman**

ABSTRACT

Economic development policies of the 21st century lead to various changes and transformations in social and urban structures. It creates transformations and reveals a new independent order. This process changes the position of women in social life.

Local development and development are formed in the framework of globalization and neoliberal policies. management policies and improving the quality of life; Ensuring the active participation of women requires their inclusion in economic activities.

The main goal of this research is to determine the importance of eco-urbanization in increasing women's entrepreneurship and to determine the importance of women who are one of the main actors of balanced and orderly urbanization.

An egalitarian and democratic socio-cultural structure implemented as a policy to ensure the emergence or prevention of balanced urbanization is the basic principle of the eco-city process. In this research, the social aspects of eco-city planning, the role of eco-city policy in increasing women's entrepreneurship, considering the criteria set in the scope of gender discrimination and the principles of solidarity are examined.

*Corresponding Author.

Email Adresses: aylar.reyhan95@gmail.com

Reyhan Kalvanaq, M. (2023). Ecocity approach and the role of women in entrepreneurship and ecocity planning. Human Ecology, 2(5), 405-415.



Doi: [10.22034/el.2025.478228.1028](https://doi.org/10.22034/el.2025.478228.1028)

رویکرد اکوشهرسازی و نقش زنان در کارآفرینی و برنامه ریزی اکوشهر

محبوب ریحان کلوانق * ۱

۱ دانشجوی دکتری برنامه ریزی شهری دانشگاه زنجان، زنجان، ایران.

واژگان کلیدی

برنامه ریزی اکوشهر
کارآفرینی زن

چکیده

سیاست های توسعه اقتصادی قرن بیست و یکم نیز منجر به تغییرات و تحولات گوناگون در ساختارهای اجتماعی و شهری می شود. دگرگونی هایی ایجاد کرده، نظم مستقل جدیدی را آشکار می کند. این روند جایگاه زنان را در زندگی اجتماعی تغییر می دهد. توسعه محلی و توسعه در چارچوب جهانی شدن و سیاست های نئولیبرالی شکل می گیرد. سیاست های مدیریتی و بهبود کیفیت زندگی؛ حصول اطمینان از مشارکت فعال زنان و مستلزم گنجاندن آنان در فعالیت های اقتصادی است. هدف اصلی این پژوهش، تعیین اهمیت اکوشهرنشینی در افزایش کارآفرینی زنان و تعیین اهمیت زنان که یکی از بازیگران اصلی شهرنشینی متعادل و منظم هستند، می باشد. ساختار اجتماعی-فرهنگی برابری طلبانه و دموکراتیک که به عنوان سیاستی برای تضمین ظهور یا جلوگیری از شهرنشینی متعادل اجرا می شود، اصل اساسی فرآیند اکوشهر است. در این تحقیق جنبه های اجتماعی برنامه ریزی اکوشهر، نقش سیاست اکوشهر در افزایش کارآفرینی زنان با در نظر گرفتن معیارهای تعیین شده در محدوده تبعیض جنسیتی و اصول همبستگی مورد بررسی قرار می گیرد

۱. مقدمه

ایده کنترل طبیعت از طریق عقل دیدگاه غالب در قرن هفدهم بود. این در فلسفه دکارت تجسم یافته است، که همه چیز را به یک ساختار مکانیکی تقلیل می دهد. طبیعت به عنوان جهان مادی، کانون استعمار قرار گرفته است. (Meydan Yıldız, 2018:25). دکارت قطبی شدن بین ذهن و بدن در انسان و فهمی که ماهیت این دو را از یکدیگر متمایز می کند و آن را به دو نوع جوهر وجودی تفکیک می کند. بر اساس این دیدگاه، «انسان با همه چیز در طبیعت کاملاً متفاوت است» (Özgenç Erdoğan et al, 2020:34). گسستن پیوند ارگانیک در رابطه انسان و طبیعت و به هم خوردن این پیوند و در نتیجه انسان مربوط به دوره ای است که رویکردهای محوری مورد پذیرش و توجیه قرار گرفتند. در عصر روشنگری، همه چیز برای انسان آفریده شده بود و انسان بر همه موجودات زنده برتری داشت. این ایده که او برتر غالب است، این همان چیزی بود که ذهن انسان را برتر کرده و آن را به منصف ظهور رساند. در این درک، طبیعت ابزاری می شود که بین زن و مرد بر اساس جنسیت و نقش های اجتماعی تبعیض قائل می شود. در حالی که مرد را با عقل تجلیل می کند، طبیعت زنانه تحت کنترل و مدیریت است. و آن را به یک دارایی ضروری تبدیل کرده است (GÜLERSOY et al, 2023: 88). قرن هجدهم، عصر روشنگری، ذهن مردانه را تجلیل کرد و زنان در جایگاه دوم جامعه قرار گرفتند. از سوی دیگر، این عقیده که زن و طبیعت باید کنترل شود، بشریت را از طبیعت دور کرد (Kalonya, 2021:453). دیدگاه سلطه مردانه نسبت به زنان و طبیعت، از افلاطون تا امروز اشاره دارد. سپس با صنعتی شدن و شهرنشینی، طبیعت به برده ای مشترک این دو (صنعت و شهرنشینی) تبدیل گشت. در حالیکه وخامت طبیعت ناشی از صنعت و شهرنشینی بود، پیشرفت های فناوری نیز مردم را کاملاً از طبیعت دور کرد (İrge Özyol, 2013: 134). در کنار مدرنیزاسیون و همه این تحولات اجتماعی، زنان علیه بازتعریف سلطه مردانه و استعمار حقوق زنان شروع به هوشیاری کردند و واکنش های خود را تحت عنوان فمینیسم نشان دادند. فمینیست های محیطی که اعتقاد خود را بر پایه و مبانی فلسفی بنا نهادند، خود را اکوفمینیست نامیدند (Yildirim, 2021:127) اکوفمینیسم که به مشکلات زیست محیطی در زمینه رابطه زن و طبیعت می پردازد. آنها با هم به نوعی مبارزه آزادی خواهانه می پردازند (Nalbantoğlu, 2022:141؛ Saygili & Neydim, 2022: 24). اکوفمینیست ها بحث می کنند که به طور تاریخی دانش زنان از طبیعت به حفظ زندگی کمک می کند. نظریه اکوفمینیستی تسلط و بهره کشی تاریخی زنان و طبیعت را در کنار یکدیگر ترسیم کرده و هر دو را قربانیان توسعه در نظر گرفته است. بر اساس این دیدگاه هر آسیمی به طبیعت به زنان آسیب می رساند (Rao Manisha, 2012). ردپای اکولوژی عمیق در سرزمین زنان اکوفمینیست (اکولوژیک) توسط وال پلاموود^۱ در کتاب «فمینیسم و تسلط بر طبیعت» به این اطلاعات ویژگی های اتوپیا می دهد: سرزمینی که زنان در آن در صلح با خود و دنیای طبیعی زندگی می کنند. داستان او مضمونی تکراری از آرمان شهرهای فمینیستی است. بین مردم یا بین انسان و حیوان هیچ سلسله مراتبی وجود ندارد، انسان ها با یکدیگر تعامل دارند و مراقبت از طبیعت، رمز و راز قدرت فنی، نظامی و اقتصادی است (Saygili & Neydim, 2022: 25). کارکرد زنان برای تضمین تداوم خانواده و جامعه ای که در آن زندگی می کنند با استفاده و مدیریت منابع طبیعی در سراسر جهان امکان پذیر است. زنان به عنوان مربی برای نسل حاضر و آینده، با تأثیر مستقیم بر پایداری و کیفیت زندگی، نقش مهمی در دستیابی به توسعه پایدار دارند (İrge Özyol, 2013: 135). اکوفمینیسم با جنبش های موج دوم و سوم فمینیسم نیز همراه است. و برای اولین بار توسط فمینیست فعال، فرانسوا دوبون به عنوان یک مفهوم با عنوان "فمینیسم یا مرگ"^۲ در سال ۱۹۷۴ تحت پژوهش «ظلم به زنان و ظلم به طبیعت» معرفی شد. رویکرد اکو-شهرسازی نیز، از دهه ۱۹۷۰ توسط برنامه ریزان و معمارانی نظیر پائولو سلری، ریچارد ریچستر، مارک روزلند، محیط بانانی مانند پیتر نیومن، جف کنورثی و ایزابل جنینگز مطرح و توسعه داده شد. در سال ۱۹۷۵ نیز، پروژه اکو شهر سازمان اکولوژی شهری در برکلی تحت رهبری ریچارد ریچستر تأسیس شد (Jong et al, 2013: 97). در این قسمت از تحقیق به بررسی رویکرد اکوشهرسازی و برنامه ریزی اکوشهر و نقش زنان در کارآفرینی و برنامه ریزی اکوشهر پرداخته می شود.

۲. رویکرد های نظری تحقیق:

اکوشهر

شهری که در فضا با رویکرد برنامه ریزی اکولوژیکی طراحی شده است، اکو شهر نامیده می شود. اکو شهر، این یک مدل شهری سازگار با محیط زیست است که خودکفا است و می تواند با نوآوری های عصر سازگار شود. و شامل استفاده از مفاهیم اکولوژی و شهر در کنار هم است (Meydan Yıldız, 2016:48). برنامه ریزی اکو شهر، تعادل بین ارزش های محیطی و فرهنگی، اقتصاد و فناوری است که از منابع طبیعی محافظت می کند، به یک رویکرد برنامه ریزی شهری اشاره دارد که آلودگی ایجاد نمی کند و به ارزش های فرهنگی و تاریخی

1 Plumwood

2 La Féminisme ou la Mort

آسیب نمی رساند (Meydan Yıldız, 2018:22). اساس یک شهرنشینی اکولوژیکی؛ همکاری داوطلبانه، برابری جنسیتی و مدارا است؛ که با درک آن توسعه می یابد (Mengi & Meydan Yıldız, 2017:455).

فرآیند توسعه اقتصادی؛ جهت گیری به سمت مشارکت محلی و عمومی، پاسخگویی، شفافیت، در برنامه ریزی اکو شهر که آن را با اهداف «برابری بین نسلی و بی طرفی اجتماعی» مرتبط می کند. جایگاه کارآفرینی زنان در زندگی اقتصادی اساس استراتژی توسعه پایدار است و به عنوان پایه آن دیده می شود. زنان، سالمندان و افراد ناتوان در تمامی مناطق شهری، در ساختارسازی حرفی برای گفتن داشته باشد و در مسائل زیربنایی شهری، روبنایی و محیط زیست فعال باشد و این نقش از زنان می تواند ادغام سیاست های توسعه با اصول اکولوژیکی را ممکن سازد و موثرترین عنصر است (Meydan Yıldız, 2018:23).

یکی از اهداف اصلی برنامه ریزی اکو شهر، حصول اطمینان از مشارکت بیشتر زنان در فرآیندهای سیاسی-اجتماعی است. و موثر بودن و مشارکت در مکانیسم های تصمیم گیری خاص شهر (Jong et al, 2013: 99). بنابراین، اکوشهرسازی، سرمایه اجتماعی آگاهانه و جامعه مدنی داوطلبانه می تواند در چارچوب سازمان ها تحقق یابد. جامعه مدنی، نقش سازمان ها در مشارکت زنان در زندگی اقتصادی و اجتماعی به طور قابل توجهی بالا است. در چارچوب حاکمیت و سلسله مراتب در روند تاریخی رویکردهای آزادی زن و طبیعت که از بحث برانگیزترین موضوعات است، اساساً در محدوده اصل همبستگی اجتماعی اکو شهرنشینی در حال حل شدن است. در این پژوهش با استفاده از روش مرور ادبیات اکو شهر، با بررسی ویژگی های کلی مفاهیم برنامه ریزی اکو شهر، کارآفرینی توضیح داده شده است. با بیان اهمیت و ضرورت اکوشهرسازی، تبیین نقش فرآیند برنامه ریزی اکولوژیک در افزایش کارآفرینی زنان محور اصلی این پژوهش و هدف آن است. به منظور محدود کردن دامنه پژوهش، اکوشهرسازی اجتماعی و اصل همبستگی از طریق فرآیند داوطلبانه و رویکردهای کارآفرینی در کشور ما (ایران) توضیح داده شده است. و اصول تبعیض جنسی و همبستگی در چارچوب اصول برنامه ریزی اکو شهر مورد بحث قرار گرفته است.

چشم انداز اکولوژیکی و برنامه ریزی اکو شهر

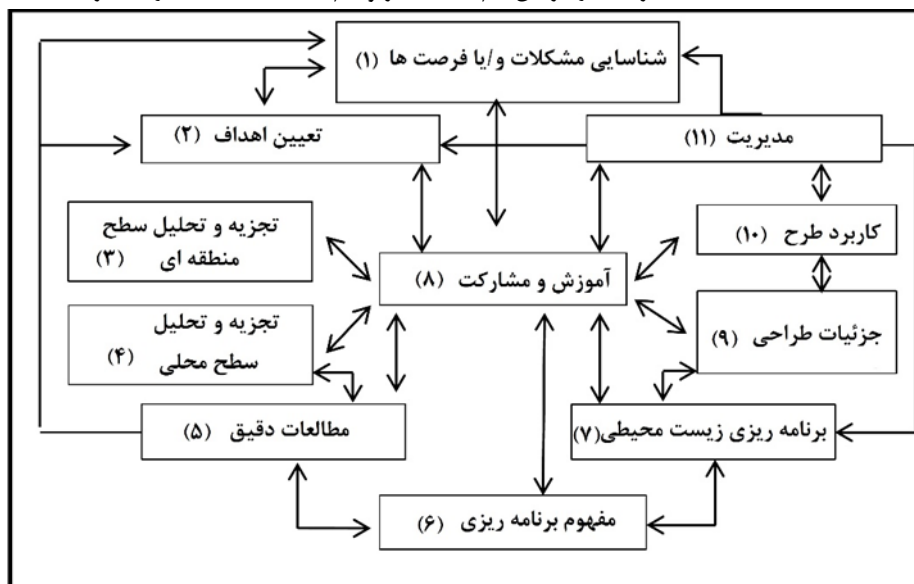
مشکلات زیست محیطی در قرن بیستم به موازات تحولات عصر روشنگری و انقلاب صنعتی، ناشی از نادیده گرفتن تعادل حفاظت و استفاده در فرآیندهای تولید-مصرف است (Saygili & Neydim, 2022: 22). در اواخر قرن بیستم، رشد جمعیت باعث ایجاد مشکلات اجتماعی مانند شهرنشینی سریع و مهاجرت شد. اثرات مشکلات اکولوژیکی بر زیست کره در پرتو پیشرفت های علمی و فناوری ثابت می کند که جوامع به سیاست های کل نگر در برابر مشکلات اقتصادی، شهری و اداری نیاز دارند. و ایجاد آنها را ضروری کرد (Keleş, 2013:44). شهرنشینی، سلامت و جنسیت، زمانی که مبتنی بر ساختار اشتغال (شامل برابری های اقتصادی، اجتماعی است) نباشد، می تواند باعث شود که مشکلات شهری به یک زنجیره غیر قابل حل تبدیل شود (Keleş, 1987: 75).

جستجوی راه حل برای مشکلات شهری و اجتماعی در درک برنامه ریزی اکو شهر منعکس می شود. و توسعه آن را از طریق برنامه ریزی و مدیریت اولویت زیست محیطی شهرها ممکن کرد. این ایده که می توان از مشکلات اقتصادی نیز جلوگیری کرد، در مقیاس جهانی اهمیت پیدا کرده است (Keleş, Mengi, 2017:55). حصول اطمینان از بروز یا پیشگیری از مشکلات شهری و زیست محیطی، ساختار اجتماعی-فرهنگی برابری طلبانه و دموکراتیک به عنوان یک سیاست، در اکو شهر اجرا می شود. زندگی "اکولوژیک، پایدار، پاک، سبز، سالم یا بدون ضایعات کربن صفر." به عنوان اصل اساسی برنامه ریزی ظاهر می شود (Meydan Yıldız, 2018:25).

ایجاد زمینه های علمی و فناوری به ویژه در اواخر دهه ۱۹۶۰ افزایش آگاهی از لزوم حفاظت از اکوسیستم زمین در پرتو تحولات و حساسیت به یک هدف بین المللی تبدیل شده است. پایدار، زیست محیطی، سبز، سازگار با محیط زیست، مفاهیم شهر طبیعی و سالم در ادبیات علمی کاملاً مبهم است و توسط نویسندگان مختلف تعریف شده است. گاهی می توانند معانی متفاوتی داشته باشند و گاهی می توانند به جای یکدیگر به کار روند، استفاده می شود (Meydan Yıldız, 2016:41). رویکرد اکو شهرسازی، از دهه ۱۹۷۰ توسط برنامه ریزان معمارانی چون پائولو سلری، ریچارد ریچستر، مارک روزلند، محیط بانانی مانند پیتر نیومن، جف کنورثی و ایزابل جنینگز، مطرح و توسعه داده شد (Jong et al, 2013: 97). در سال ۱۹۷۵، پروژه اکو شهر سازمان اکولوژی شهری که در برکلی تحت رهبری ریچارد ریچستر تأسیس شد، می توان گفت نقطه شروع این مفهوم است و باعث گسترش آن در سطح بین المللی شده است. مفهوم اکو شهر برای اولین بار توسط ریچستر معرفی شد: ضروری است که فاضلاب و محل زندگی مردم از نظر اکولوژیکی سالم و قابل زندگی باشد، به عنوان شرط بیان شده است (Roseland, 1997: 197). اکو شهرنشینی که تمرکز آن بر پایداری است، اجرای یک سیستم برنامه ریزی زیست محیطی با یک ساختار مدیریتی، اجتماعی و فرهنگی است. و بایستی به عنوان یک سبک زندگی پذیرفته شود و این بستگی به پذیرش آن به عنوان یک

سبک زندگی دارد. (Cilliers & Siebert, 2012:24). در مفهوم اکو شهر، سطح منفعت و منافع اقتصادی کیفیت های حیاتی برای شهروندان به جای ساختار فضایی و فرآیندهای تولید-مصرف در خط مقدم قرار دارند (Jong et al., 2013: 95-96) اشتاینر^۱ (۲۰۰۰) اهمیت فرآیند مشارکت در مراحل اجرای برنامه ریزی اکو شهر را توضیح می دهد و آن را به عنوان یک مرکز کانونی مطرح کرد. برنامه ریزی اکو شهر یک فرآیند ۱۱ مرحله ای است:

۱- شناسایی مشکلات و/یا فرصت ها، (۲) تعیین اهداف تعیین، (۳) تجزیه و تحلیل سطح منطقه ای، (۴) تجزیه و تحلیل سطح محلی، (۵) مطالعات دقیق، (۶) مفهوم برنامه ریزی، (۷) برنامه ریزی زیست محیطی، (۸) آموزش و مشارکت، (۹) جزئیات طراحی، (۱۰) کاربرد طرح، (۱۱) مدیریت (Özügül, 2012: 109-111). هر یک از مراحل هم به یکدیگر و هم مستقیماً با بعد مشارکت مرتبط هستند (شکل ۱):



برنامه ریزی اکو شهر، طراحی فضای زندگی سازگار با محیط طبیعی است. این هماهنگی عادلانه است، نه به خاطر تصمیمات فضایی؛ بلکه توسط فرآیندهای مشارکت، مدارا، مسئولیت پذیری و آموزش تغذیه می شود. برنامه ریزی اکو شهر در مقیاس محلی در درجه اول علاوه بر تضمین تعادل انسان و طبیعت، در پی ایجاد فرهنگ عدم مصرف است. این فرآیندی با برابری زن و مرد، به جای شهرنشینی شدید، جمعیت و تبعیض جنسیتی است و این بستگی به حمایت از شهرنشینی متعادل و توزیع جمعیت دارد. مشکلات شهری و محیطی مستلزم زیر سوال بردن عادات فرهنگی موجود و پذیرش اجتماعی است. فرآیند برنامه ریزی شهری برای محیط زیست، مستلزم نوآوری هاست و نوآوری های فنی و تکنولوژیکی کافی نیست، بلکه مشارکت داوطلبانه و توزیع نقش زن-مرد است که کاربرد آن را تضمین می کند و باید فرهنگ کارآفرینی ایجاد کرد که برابری را فراهم کند (Meydan Yıldız, 2018:28).

اصل داوطلبی در برنامه ریزی اکو شهر

مفهوم داوطلبانه توسط مؤسسات مختلف برای ارائه محتواها و حوزه های مختلف مورد استفاده قرار گرفته است. اگر چه تعریف شده است، اما وقتی از نظر ویژگی های کلی آن در نظر گرفته شود؛ بدون انتظار سود و بدون دخالت افراد در راستای خواسته های خود و برای منافع عمومی، انجام می شود. این به عنوان فعالیت هایی تعریف می شود که افراد در راستای اصل داوطلب شدن در آن خدمت می کنند. (Kalonya, 2021:454)

به گفته بتیل^۲: «...دانش، مهارت و دانشی که فرد دارد و این به مردم اجازه می دهد تا با به اشتراک گذاشتن آنها با محیط و جامعه خود از خود لذت ببرند، احساس شادی کنند و شاد باشند». افزایش فعالیت های داوطلبانه افراد و سازمان های مردم نهاد و توسعه فعالیت های آنها به انباشت فرهنگی، همکاری و عادات مدارا بستگی دارد (Betil, 2013: 16). به گفته آکالپ^۳ (۲۰۱۳): «افراد حق دارند بدون توجه به مسئولیت اجتماعی خود اطلاعاتی را به دست آورند. از مهارت ها و منابع خود در راستای اهداف یک سازمان غیردولتی استفاده کنند. این اصل اساسی داوطلبی است» (Akalp, 2013:56).

1 Steiner
2 Betil
3 Akalp

فرآیند جهانی شدن و بین المللی در نقش آفرینی اکوشهر

سازمان های غیردولتی نقش مهمی در زندگی اجتماعی و سیاسی ایفا می کنند و یک روابط دموکراتیک را تشکیل می دهند و این سازمان ها (خارج از نهادهای عمومی و کار مستقل از آنها که به نفع بخش خود است)، از طریق لابی کردن، متقاعد کردن و استراتژی های اقدام، کارکنان خود را به صورت داوطلبانه تعیین می کند و اهداف اصلی آن سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، حقوقی و اتخاذ تصمیمات زیست محیطی است (Kurt & Taş, 2015:204). سازمان های مردم نهاد در هر بخش از جامعه، توازن دموکراتیک را برقرار می کند، و به رویه داوطلبانه پایبند است. این سیستمی است که در خدمت منافع عمومی است (Tunçay, 2003:10). بنابراین هدف اصلی سازمان های مردم نهاد را می توان آن با این عنوان خلاصه کرد: حقوق و منافع اعضای خود از طریق مکانیسم فشار و "برای محافظت از این منافع و تضمین دفاع از آن در یک پلت فرم سیاسی گسترده تر". (Akçadağ, 2009:13) نقش های مهم سازمان های غیردولتی در ایجاد شبکه ای از روابط دموکراتیک بین ساکنان محلی و دولت های محلی وجود دارد. عواملی که امکان مشارکت موثر در سازمان های غیردولتی را فراهم می کند: اصل داوطلبی، مسئولیت پذیری، شفافیت، انعطاف پذیری و جامعیت است. و احساس ناامنی در زندگی سنتی و تعصبات شکاکانه ای که ایجاد می کند باعث کاهش ایمان به سازمان های غیردولتی می شود (Meydan Yıldız, 2016:43). روابط اجتماعی بسته و فشارهای اقتدارگرایانه منجر به ساختار فرهنگی می شود که قابل دموکراسی نیست. پایین بودن نرخ سواد و ساختار اجتماعی بسته منجر به مشارکت، کنجکاوی و .. نشده و ساختار جامعه مدرن را مختل می کند. بنابراین جوامعی که نمی توانند شهرنشین شوند، روستایی هستند و روابط اجتماعی بسته خاص ساختار روستایی را به زندگی شهری می آورد. (Saygili & Neydim, 2022: 33). دموکراتیزاسیون و عنصر اساسی فرآیند توسعه پایدار، مشارکت ساکنان محلی در مسائل شهری و زیست محیطی است. زن و مرد، پیر و جوان، یا غنی و فقیر، بدون تبعیض از فرصت های برابر برخوردارند و همچنین به باز بودن برای تغییر، تحولات و نوآوری ها بستگی دارد (Meydan Yıldız, 2018:29).

نقش سازمان های مردم نهاد در مدیریت داوطلبان و تعیین گستره کار داوطلبانه در کشور ما. سازمان های غیردولتی (یا مردم نهاد) ساختارهای اجتماعی هستند که بر فرآیندهای توسعه تأثیر می گذارند و تحت تأثیر سیاست های توسعه قرار می گیرند. هیچ قانونی برای تعیین موضوع (نهادهای مردم نهاد) در کشور ما وجود ندارد. این وضعیت باعث می شود که سازمان های غیردولتی با مشکلات مالی مواجه شوند و مشارکت کاهش یابد.

کمک به یکدیگر، پرورش حس اعتماد به هم نوع، نوعی رفتار است که برای تداوم جوامع ضروری است. کمک رسانی، بردباری و احساس اعتماد که در اصول زندگی روستایی رایج تر است. احساساتی مانند روابط همسایگی و پیوندهای خویشاوندی ایجاد شده، توسط زندگی شهری به دلیل بیگانگی و عناصر مادی ضعیف می شود. برای جلوگیری از بیگانگی، راه اصلی این است که افراد به حرف یکدیگر گوش دهند، فرهنگ های مختلف را بیاموزند و از سازمان های داوطلبانه¹ که آگاهی را افزایش می دهند حمایت کنند. کار داوطلبانه به رفع نابرابری های اجتماعی کمک می کند. سازمان های غیردولتی امکان ظهور استعداد های فردی و جدید را فراهم می کند و مشارکت جامعه در سیاست های توسعه می تواند احیای ارزش های محو شده را تضمین کند و فرصت های شغلی ایجاد شده به خصوص از طریق NGO ها و ایجاد پروژه های آگاهی دهی که زنان را قادر می سازد در زندگی اجتماعی شرکت کنند، در غلبه بر تبعیض جنسیتی، نابرابری و طرد شدن اهمیت دارد. شیوه های داوطلبانه که باعث تقویت کارآفرینی زن نیز می شود، دراز بین بردن نابرابری جنسیتی با بهبود احساس «اعتماد به نفس» شما را راهنمایی می کند که بلند شوید (Özgenç Erdoğan et al, 2020:37). عنصر نظارتی توسعه پایدار در ساختارهای شهری، اکو شهر است. برای کاربرد برنامه ریزی اکو شهر، به ویژه در اقتصاد های محلی، نقش مشارکت زنان بسیار مهم است. زنان تحصیل کرده، بردبار، صبور و متعادل که جزء توسعه اجتماعی فرآیند توسعه است، با کسب استقلال اقتصادی، توسعه استعدادها و مهارت های خود کلید اصلی تبدیل شدن به یک نسل جدید است (Ay & Dudu Karaman, 2017:517).

کارآفرینی زنان در برنامه ریزی اکو شهر

مفهوم کارآفرینی توسط رشته های مختلفی مانند جامعه شناسی، روانشناسی و اقتصاد به کار گرفته می شود. و همین منجر به پیدایش تعاریف مختلفی شده است. کارآفرین به معنای وسیع کسی است که در راستای اهداف شخصی خود کسب و کاری غیرموجود را ایجاد، تأسیس و مدیریت می کند، او فردی مبتکر است که آن را منبع درآمدی اساسی و گسترش نیازهای حیاتی می کند (Alecchi, 2013: 7). Avolio, Radovic-Markovic, 2013: 7). کارآفرینی ایجاد چیزی متفاوت و ارزشمند است. وقت گذاشتن و ایجاد زمان لازم برای این کار و همچنین کاهش مخاطرات مالی، روانی و اجتماعی و ریسک کردن است (Ürper, 2012:4). کارآفرینی به معنای کلمه در انجمن زبان ترکی: «با کنار هم قرار دادن کار، سرمایه و طبیعت، فرآیند تولید به عامل تولید تبدیل می شود». "به این ترتیب، طراحی و

سازماندهی گردد و تمام خطرات آن را به عهده بگیرد." تعریف شده است (Saygili & Neydim, 2022: 40). کارآفرینی اولین بار توسط ریچارد کانتیلون^۱ (۱۶۸۰-۱۷۳۴) تعریف شد. به عنوان میانجی و ریسک پذیر استفاده می شود که از کلمه فرانسوی *entreprendre* گرفته شده است. این مفهوم به معنای "کسی است که وظیفه ای را بر عهده می گیرد یا ریسک می کند" (اژانس توسعه انکارا،^۲ ۲۰۱۴: ۵) به گفته جوزف شومپتر (۱۹۳۴)، کارآفرین: «تغییر داخلی در اقتصاد سرمایه داری ایجاد می کند» که او آن را به عنوان "قهرمان سیستمی که بتواند الگوهای مصرف و تولید پایدار را پیاده سازی کند و از نظر اجتماعی فراگیر باشد" تعریف کرد (GÜLERSOY et al, 2023: 85) اطمینان از تغییر فرهنگی (به سمت طبیعت) منجر به جهت گیری به سمت مدل شهرنشینی اکولوژیکی شده است. ساختار دلسوز طبیعت که دائماً با هویت زنانه خود تجدید، پاکسازی، تغذیه و تولید می کند. و با همذات پنداری زنان با سرزمین، زن را با طبیعت آشتی می دهد. (İrge Özyol, 2013: 136).

ولی در دیدگاه سرمایه داری که زنان را تحت سلطه و استثمار قرار می دهند و این نقش وجودی زن را بر جامعه تحمیل می کند و با برابری کردن طبیعت با زنان، رفتار مردان با زنان به گونه ای که با طبیعت رفتار می کنند، و با طبیعت همان گونه رفتار می کنند که با زنان رفتار می کنند، اکوفمینیسم به عنوان واکنشی به این رفتار آنها متولد شد (Özyol, 2018:4) به نقل از (Meydan Yıldız, 2018:26).

اکوفمینیسم در سال ۱۹۷۴ با اثر فرانسوا دوپون^۳ تحت عنوان "فمینیسم یا مرگ" ظهور کرد. در زندگی اجتماعی، زنان تحت ظلم و ستم قرار می گیرند و از آزادی خود محروم می شوند. این یک دیدگاه بوم شناختی است که استدلال می کند که بین این وضعیت زن و ظلم به طبیعت و ارزش های طبیعی رابطه و شباهت وجود دارد (Keleş et al., 2012: 296).

در جوامعی که تحت سلطه رفتارهای مخرب مانند پرخاشگری، رقابت پذیری و استدلال یک طرفه هستند. جامعه ای برای زنان ارزشی قائل نیست، و بروز مشکلات محیط زیست اجتناب ناپذیر است (Özyol, 2018) به نقل از (Meydan Yıldız, 2018:26) و احساس طرد شدن زنان توسط سیستم وجود دارد. زنانی که هم در زندگی اجتماعی شرکت می کنند و هم از خود مراقبت می کنند. و از نظر فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی مفید می باشند. در چنین حالتی نمی توان از او انتظار داشت که زندگی مفیدی داشته باشد. افرادی که در طول تاریخ به حاشیه رفته اند و با مردان متفاوت بوده اند. زنانی که به دلیل آناتومی پذیرفته نمی شوند، در فلسفه جامعه اکولوژیک جایگاه خاص و ویژه ای دارند (Zengin, 2017: 23) به نقل از (Meydan Yıldız, 2018:26).

در اکوشهرها، زنان نقشی مشابه مردان در توسعه جامعه دارند. علاوه بر این که وجود آنها حتی محل بحث نیست، از نظر روانی، جسمی و به عنوان منبع قدرت جمعیتی دیده می شود. یک زندگی چند بعدی و یکپارچه اهمیت و ضرورت دموکراسی به عنوان یک فرهنگ برای تضمین کیفیت زندگی باید اتخاذ شود. فرآیند دموکراتیزاسیون با نقش زنان در زندگی اجتماعی مرتبط است. جامعه تحصیل کرده و آگاه جامعه ای است که حقوق همبستگی را پذیرفته و از آن حمایت می کند. و از طریق ساختار دهی تحقق می یابد. کارآفرینی زنان، راه اندازی و سازماندهی یک سرمایه گذاری تجاری و مشارکت های زنانه یا تحت مالکیت زنان (Patel, 2005: 7). کارآفرینی زنان فعالیت هایی که زنان را قادر می سازد بدون وابستگی به کسی در بخش تجارت شرکت کنند. این یک عنصر اقتصادی است که آنها را تشویق و حمایت می کند. کارآفرینی زنان، توانمندسازی زنان برای ورود به زندگی تجاری و تصمیم گیری مستقل در حرفه خود از مرحله اول؛ این عاملی است که آنها را قادر می سازد و انگیزه می بخشد.

به گفته گوپال و پرکش^۴، بخش بازرگانی هم جنبه دافعه و هم برای زنان جذاب دارد. جنبه های وابستگی زنان به کارگران یا سازمان های امدادی جدید، عوامل جذابی هستند که در زنان میل به انجام کاری را ایجاد می کنند و زندگی خانگی را به چالش می کشند. و به عنوان عوامل فشاری تعریف می شوند. فرآیند جهانی شدن و فرصت های دیجیتالی بر روند کاربایی و فرصت های شغلی جدید تأثیر می گذارد. و باعث افزایش خلاقیت در زنان می شود. (Yildirim, 2021:134)

از سوی دیگر، نگرش ها و رفتارهای سنتی روستایی مردم در روند زندگی شهری ادامه دارد. قرار گرفتن زنان در معرض تبعیض جنسیتی در فعالیت های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به ویژه در دیدگاه های اجتماعی محافظه کارانه ادامه دارد. بزرگترین مانع کارآفرینی زنان، زن بودن است. مرد غالباً نظم اجتماعی را با تسلط خود در فرآیند کسب و کار حفظ می کند (Goyal & Parkash: 2011:198). کارآفرینی زنان توسط سازمان های غیردولتی، انجمن ها و شهرداری ها حمایت می شود. حمایت از زنان برای ایجاد مشاغل خود مطابق با توانایی های خود مهم است. زنان ضعیف دیده می شوند و حوزه کاری آنها محدود به خانه است. مسئولیت پذیری در قبال سایر اعضای خانواده و مسئولیت پذیری در قبال مسئولیت های آنها، باعث آسیب در زندگی کاری زنان می شود (Karapehlivan Şenel, 2012: 248)

1 Richard Cantillon
2 Ankara Kalkınma Ajansı
3 François D'eubonne
4 Goyal, Parkash

نظم اجتماعی تحت سلطه مردان، زنان را به پس‌زمینه سوق می‌دهد. یک زن کارآفرین با روحیه قوی ابتدا باید آزاد باشد و احساس امنیت کند. روند رویکردی و تبدیل این رویا به عمل، فرآیند آزادی زنان در فضای شهری است. وبا حذف عوامل محدود کننده می‌توان به آن دست یافت. (Ürper, 2012; Patel, 2005)

توانمندسازی زنان یک اصل اساسی است که باید در توسعه اقتصادی و اجتماعی مورد حمایت قرار گیرد. به طور کلی پذیرفته شده است که این یک استراتژی است (Patel, 2005:7). ایجاد موسسات و سازمان‌هایی که انگیزه، آموزش و حمایت از زنان را در اشتغال ایجاد می‌کنند، ایجاد این سازمان‌ها به حل بسیاری از مشکلات اجتماعی نیز کمک می‌کند. کارآفرینی زنان، منابع اندک سرمایه و استعدادهاى نهفته زنان، جایگاه زنان را در جامعه افزایش می‌دهد و باعث افزایش بهره‌وری اقتصادی آنها می‌شود. نتایج موفقیت آمیزی در جوامعی که سازمان‌های آنها فرآیند شهرنشینی را از طریق فرآیندهای دموکراتیک توسعه می‌دهند، در حال دستیابی است. ساکنان شهر آگاه داوطلب می‌شوند و منابع مالی کافی را فراهم می‌کنند. کارآفرینان موفق ایجاد می‌کنند. (Kurt-Taş, 2015: 202). سازمان‌های غیردولتی در زمینه مسائل اجتماعی، زیست محیطی، اقتصادی و جمعیتی و شناسایی مشکلات نوظهور، بسیج افکار عمومی و یافتن راه حل برای مشکلات مربوطه با آگاهی در ساختار اجتماعی، با مشارکت فعالانه زنان می‌تواند ایجاد شود. (Nalbantoğlu, 2022:143).

سرمایه گذاری برای زنان از طریق برنامه ریزی اکو شهر افزایش می‌یابد. حقوق زنان امروزی در تصمیم‌گیری شهری، مدیریت آن در فرآیندها به موازات افزایش پتانسیل داوطلبانه در حال توسعه است.

اکوفمینیسم که به طور قابل توجهی بر افکار محیط زیستی تأثیر می‌گذارد و توسعه آن را تضمین می‌کند. از نظر تبیین وضعیت حاکم بر جامعه از طریق تطبیق آن با ارزش‌های زیست محیطی مهم است (Keleş, 2013:190).

در فرآیند برنامه ریزی اکو شهر، زنان پویا، مستقل، اعتماد به نفس، رقابتی و هدف‌گرا و به عنوان یک کارآفرین نقش موثر و فعالی دارد. (Kılınç Savrul and Akyüz, 2016:165) در عین حال، تحولات جدید در برنامه ریزی اکو شهر، یافتن فرصت‌ها و تبدیل این فرصت‌ها به نتیجه بدون آسیب رساندن به ارزش‌های محیطی و زنانی که در نوآوری‌هایی شرکت می‌کنند که توسعه مستمر، متعادل و سالم را فراهم می‌کند، کارآفرینان محیط زیست هستند (Kılınç Savrul, Akyüz, 2016:165).

زنان به دلیل کارکردهای "زایمان، پرورش، رشد و تولید" با طبیعت مرتبط هستند. آنها به دلیل تعاملشان در برابر طبیعت که عملکردهای مشابهی دارد، احساس مقاومت بیشتری می‌کنند (اداره کل وضعیت زنان ترکیه، ۲۰۰۸: ۵). در فرآیند آگاهی اجتماعی با ارائه نگرش حساس تر و آگاهانه تر در مبارزات و بحران‌های زیست محیطی، رویکردهایی وجود دارد که بیان می‌کند که زنان موثرتر هستند. این وضعیت تنها ناشی از تشکیلات طبیعی نیست. در واکنش به نادیده گرفتن قدرت جمعیتی، هوش، استعدادها و مهارت‌های زنانی که مدام در زمینه حقوق به دست آمده در فرآیندهای اقتصادی در پس‌زمینه قرار دارند، زمینه تولد مفهوم اکوکارآفرینی شد (Meydan Yıldız, 2018:27) بسیاری از نهادهای بین‌المللی و ملی بر این باورند که حساسیت اکولوژیکی و آگاهی از حفاظت از محیط زیست، زمینه افزایش اعتماد به نفس زنان و در شکل‌گیری این اعتماد موثر است.

توسعه و برنامه ریزی شهری اکولوژیکی پیشروی در محور برابری زن و مرد، حقوق بشر، آزادی، مدارا و آگاهی؛ باید با تعادل بین منافع اقتصادی و منابع طبیعی به دست آید. مطالعات بین‌المللی به ویژه از مسائل اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی زنان حمایت می‌کند. توانمندسازی، دسترسی به فضاهای امن، فراگیر، در دسترس و سبز بر بهبود کیفیت زندگی از طریق بهبود کیفیت زندگی زنان تمرکز دارد (محیط زیست سازمان ملل، ۲۰۱۸). در سال ۱۹۴۶، "کمیسیون سازمان ملل متحد در مورد وضعیت زنان" جهت رفع تبعیض جنسیتی و حقوق زنان ایجاد شد. با برگزاری اولین کنفرانس زنان در سال ۱۹۷۵ مسائل اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و فرهنگی زنان که به طور فزاینده‌ای گسترش یافته است. تلاش برای تضمین برابری جنسیتی به عنوان یک بازیگر کلیدی در سال ۱۹۷۹ آغاز شد. سازمان ملل متحد در مورد رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان "کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان" را با مضمون "زنان باید در شرایط برابر با مردان و حداکثر سهم آنها در هر زمینه‌ای" باشند، را تشکیل داد. در سال ۱۹۹۲، «همایش محیط زیست و توسعه سازمان ملل متحد» و در بیست و چهارمین بخش «دستور کار ۲۱» در مورد مسائل زنان تأثیرگذار بر محیط زیست و متاثر از محیط زیست و اینکه آنها (زنان) در فرآیندهای سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری زیست محیطی کمتر حضور دارند، اجرا شده است (اداره کل وضعیت زنان، ۲۰۰۸: ۶).

در میان اهداف توسعه پایدار ۲۰۳۰، «برابری جنسیتی و تقویت جایگاه اجتماعی زنان و دختران» (Wolff, 2017: 375). جمعیت زنان مبارزه با آلودگی محیط زیست که هسته اندیشه تشکیل آن از سال ۱۳۵۲ آغاز شد، به منزله اولین تشکل زیست محیطی زنان در ایران با رهبری خانم ملاح با هدف ارتقای فرهنگ زیست محیطی احاد مختلف مردم از طریق پژوهش و آموزش‌های مستمر و ترویج و تبلیغ

اخلاق زیست محیطی بود (<http://wnaep.blogfa.com>). در نتیجه ساختار جامعه بوم شناختی معاصر، تصمیمات شهری که با مشارکت فعال زنان گرفته می شود را ضروری می داند (Keleş, 2014: 230).

۳. نتیجه گیری:

اقتصادی که منشأ تغییرات و دگرگونی های ایجاد شده در فضا توسط انقلاب صنعتی است، ساختار و سبک زندگی سرمایه داری است؛ که نقش های اجتماعی و فرهنگی طبیعت، زنان و کودکان را به حاشیه برده و با بیگانگی و تبعیض جنسیتی، آنها را استثمار می کند. و همچنین باورها، ارزش ها، سنت ها و آداب و رسوم را بر اساس علاقه، منفعت و سود هدایت می کند. دیدگاه انسان محور صنعتی با ساختار فرهنگی مردسالارانه و مرد محور ترکیب شده است. و نظمی ایجاد می کند که نقش زنان در جامعه و فعالیت های اقتصادی آنها را محدود می کند. توسعه زیست محیطی، پایدار و گسترده در پرتو پیشرفت در فناوری اطلاعات، زمینه آگاهی زنان را فراهم کرد. و شروع به افزایش آگاهی زنان در زمینه شهرهای دوستدار محیط زیست، در مورد برابری، مدارا، آزادی، احترام و شرایط زندگی منصفانه کرده است، زنان شروع به افزایش آگاهی در مورد خود، هموعان خود، حیوانات و محافظت خود نسبت به طبیعت و استدلال آنها که جامعه زیست محیطی باید توسعه یابد. کارآفرینی، استعداد فردی، آموزش به رفاه اقتصادی و شرایط اجتماعی بستگی دارد.

افزایش کارآفرینی زنان فرصت جذابی است که باعث افزایش کارآفرینی جوانان، سالمندان و معلولان می شود. محیط زیست محور و برابری طلبانه ای که فلسفه زیست محیطی زندگی در فضا ایجاد خواهد کرد. این طرح ها یکپارچگی اجتماعی را ایجاد می کند و بخش های محروم را قادر می سازد تا بیشتر در فعالیت های اقتصادی شرکت کنند. رویکرد برنامه ریزی کلاسیک مبتنی بر ارزش ها و منابع محلی است. و فرآیند طراحی گسسته از جمله گروه های محروم است که توسط ساختار اجتماعی مردسالار ایجاد شده است. استفاده موثر و کارآمد از توان و استعداد های جمعیتی زنان در این حوزه می تواند از این ساختار گسسته (مردسالاری) پیشگیری کند. آکو شهر روشی برای افزایش نقش زنان در زندگی اجتماعی است که بستگی به کاربرد مدل برنامه ریزی دارد. علاوه بر این، موفقیت در کارآفرینی زنان؛ فرهنگ، خانواده، به عناصر محیطی و آموزشی و پتانسیل آنها برای ایجاد انگیزه بستگی دارد. افزایش جایگاه اجتماعی زنان بر اساس مبانی قانونی لازم است. زنان که از بازیگران مهم یک شهر زیست محیطی هستند، به اکولوژی، اقتصاد، محیط زیست را باید هدف دموکراسی سازی دانست که می تواند تعادل فرهنگی را برقرار کند و رویکردهای مردسالارانه را تضعیف نماید. زنان فعالانه در فرآیندهای مدیریتی سازمان های غیردولتی مشارکت می کنند. مقررات قانونی که زنان را قادر می سازد تا اقدامات مثبتی برای افزایش کارآفرینی زنان انجام دهند. مفهوم برنامه ریزی آکو شهر در تصمیم گیری های فضایی انتقال اصول است. و این شامل مشارکت شهروندان و کارآفرینی زنان در تنوع بخشی است. مشارکت و برنامه ریزی آکو شهر در رویکرد برنامه ریزی برای افزایش کارآفرینی زنان نقش مهمی در تضمین نمایندگی افراد از همه اقشار در شهر ایفا می کند. نهادهای مردمی (NGO) که عاملی است در افزایش کارآفرینی زنان و کاهش فشارها بر زنان، یک نهاد مهم در پیشگیری از خشونت است و روش اولیه تصمیم گیری است که زنان در طراحی های فضایی در اولویت قرار دارند.

1. Akalp, İ. (2013). "Gönüllülüğün Eğitim Alanına Etkisi: Türkiye Eğitim Gönüllüleri Vakfı (TEGV)'nın Deneyimleri", Türkiye'de Gönüllük, s. 54-58,
2. (<http://www.undp.org/content/dam/turkey/docs/.pdf>, Erişim Tarihi: 12.03.2018).
3. Akçadağ, E. (2009). "Avrupa Birliği Sürecinde Kamu Diplomasisi Faaliyetlerinde Sivil
4. Toplum Kuruluşlarının Rolü" (<http://www.kamudiplomasisi.org/pdf/siviltoplumkuruluslari.pdf>, (11.04.2017).
5. Alecchi Avolio, Beatrice E. and Radovic-Markovic, M. (2013). Women and Entrepreneurship: Female Durability, Persistence and Intuition at Work, Gower Publishing,
6. <https://books.google.com.tr/books?id=n8ujAgAAQBAJ&dq=women+entrepreneur+conc>
7. eprints.gobind.in/eprint/111111, (03.04.2018).
8. Ankara Kalkınma Ajansı, (2014). Ankara'da Kadın Girişimciliği: Örnekler ve Yol Haritası
9. <http://www.ankaraka.org.tr/tr/files/yayinlar/Ankarada-Kadin-Girisimcilik.pdf>,
10. (01.04.2018).
11. Ay, A., Dudu Karaman, E. (2017). "Kadın Girişimcilerin Sektöre Tutunma Çabaları:
12. Merzifon Örneği", Karadeniz Sosyal Bilimler Dergisi, Kadın Özel Sayısı, Cilt: 9, s. 517-
13. 528.
14. Betil, İ. (2013). "Etkin bir Sivil Toplum Yansıması olarak Gönüllülük: Karşılaştığı Zorluklar
15. ve Fırsatlar", Türkiye'de Gönüllük, s. 16-17, <http://www.undp.org/content/dam/turkey/docs/.pdf>,
16. (22.04.2017).
17. Cilliers, S. S., S. J. Siebert, (2012). "Urban Ecology in Cape Town: South African Comparisons and Reflections", Ecology and Society, Volume:17, No:3, <http://dx.doi.org/10.5751/ES-05146-170333>,
18. (11.04.2018).
19. Goyal, M., Parkash, J. (2011). "Women Entrepreneurship In India-Problems And Prospects",
20. International Journal of Multidisciplinary Research, Volume: 1, Issue: 5, September, pp.
21. 195-207.
22. GÜLERSOY, A ;DURSUN , U ; Okuyucularımız, S(2023). ÇEVRE ETİĞİ YAKLAŞIMLARI ve AKIMLARI , Dokuz Eylül Üniversitesi, Buca Eğitim Fakültesi, Türkçe ve Sosyal Bilimler Eğitimi Bölümü, Sosyal Bilimler Eğitimi Anabilim Dalı, İzmir, Türkiye
23. İrge Özyol, A (2013). Sürdürülebilir Yeşil Kalkınma ve Kadın , Fe Dergi 5, no. 2. ۱۳۸-۱۳۹
24. Jong, Martin, Wang, Dongand, Yu, Chang, (2013). "Exploring the Relevance of the Eco-City
25. Concept in China: The Case of Shenzhen Sino-Dutch Low Carbon City" Journal of Urban
26. Technology, Volume: 20, No: 1, pp. 95-113.
27. Kadının Statüsü Genel Müdürlüğü, (2008), Politika Dokümanı Kadın ve Çevre, Ankara: Fersa
28. Ofset.
29. Kalonya , D H (2021). Müştereklerin Çitlenmesi Ekseninde Kadınlar: Ekofeminist Perspektiften Türkiye'de Çevre Hareketleri , Pamukkale Üniversitesi Mimarlık ve Tasarım Fakültesi, Şehir ve Bölge Planlama Bölümü, Denizli, Planlama 2021;31(3):448-465
30. Karapehlivan Şenel, F. (2012). "Tarihsel ve Toplumsal Süreçte Kadın", Toplum ve Hekim,
31. Cilt: 27, Sayı: 4, s. 246-255.
32. Keleş, R., Mengi, A. (2017). Kent Hukuku, Ankara: İmge Kitabevi.
33. Keleş, R. (2014). 100 Soruda Türkiye'de Kentleşme, Konut ve Gecekondu, İstanbul: Cem
34. Yayınevi.
35. Keleş, R. (2013). 100 Soruda Çevre: Çevre Sorunları ve Çevre Politikası, İzmir: Yakın
36. Kitabevi.
37. Keleş, R. (1987). "Kentleşme ve Çevre Politikaları", Şehirleşme ve Çevre Konferansı,
38. Türkiye Çevre Sorunları Vakfı Yayınları.
39. Keleş, R., Hamamcı, C., Çoban, A. (2012), Çevre Politikası, Ankara: İmge Kitabevi.
40. Kılınç Savrul, B., Akyüz, D. (2016). "Türkiye Ekonomisinde Kadın Girişimcilerin Mevcut
41. Durumu ve Geliştirilmesine Yönelik Çözüm Önerileri", Girişimcilik ve Kalkınma Dergisi,
42. 11(1): 165-185
43. Kurt, S., Taş, Y. (2015). "Sivil Toplum Örgütlerinde Profesyonel ve Gönüllü Çalışma
44. İlişkileri: Tehditler Ve Fırsatlar", HAK-İŞ Uluslararası Emek ve Toplum Dergisi, Cilt: 4,
45. Sayı: 8, s. 199-214.
46. Mengi, A., Meydan Yıldız, S.G. (2017). "Eko-Kent İçin Yeni Bir Belediyecilik Anlayışı ve
47. Türkiye'de Uygulanabilirliği", Belediyelerin Geleceği ve Yeni Yaklaşımlar,!(Ed. Mahmut
48. Güler ve A. Menaf Turan), s. 453-462, İstanbul: Marmara Belediyeler Birliği Kültür
49. Yayınları.Social Sciences Research Journal, Volume 7, Issue 3, 20-31
50. Meydan Yıldız, S.G. (2016). "Çevre Bilinci ve Eko-Kent Planlaması: Gölbaşı Özel Çevre

50. Koruma Bölgesi Örneği”, Yayınlanmamış Doktora Tezi, Ankara: Ankara Üniversitesi
51. Sosyal Bilimler Enstitüsü.
52. Meydan Yıldız, S G(2018). Eko-Kent Planlama Modelinde Kadın Girişimciliğinin Rolü , Social Sciences Research Journal, Volume 7, Issue 3, 20-31 (September 2018), ISSN: 2147-5237
53. Nalbantoğlu, D (2022). EKOLOJİK KRİZ KADIN VE KADIN SAĞLIĞI, VII. KADIN HEKİMLİK VE KADIN SAĞLIĞI KONGRESİ, Türk Tabipleri Birliği Yayınları , 1-3 Nisan 2022/Diyarbakırhttp://www.ttb.org.tr
54. Özgenç Erdoğan, N, Karaalioglu, O, Ömür, İ. (2020). “Kadın ve Doğa İlişkisi Bağlamında Ekofeminizmin Sanata Yansımaları”. Sanat Dergisi, (36), 33-50.
55. Özügül, M. (2012). “Ekolojik Planlama”, Kentsel Planlama Ansiklopedik Sözlük, (Der. Melih
56. Ersoy), s. 107-112, 1. Baskı, İstanbul: Ninova Yayınları.
57. Özyol, A.(2018).http://www.academia.edu/17311928/S%C3%9CRD%C3%9CR%C3%9CLE
58. B%C4%B0L%C4%B0R_YE%C5%9E%C4%B0L_KALKINMA_ve_KADIN, (05.04.2018).
59. Patel, J. R. (2005). Growth Of Women Entrepreneurship in Baroda (Order No. 3740636).
60. Available from ProQuest Dissertations & Theses Global.
61. https://search.proquest.com/docview/1751000277?accountid=252, (10.03.2018).
62. Rao Manisha (2012). Ecofeminism at the Crossroads in India: A Review, DEP n. 20/, Available Electronically At: www.unive.it/media/allegato/dep/n20-2012
63. Roseland, M. (1997). Dimensions of the Eco-City, Cities, Volume: 14, No: 4, pp. 197-202.
64. Saygılı, ilkiz & Neydim, nejdatt (2022). DERİN EKOLOJİ PERSPEKTİFİNDEN EKOLOJİK ÜTOPYALAR: KADINLAR ÜLKESİ VE EKOTOPYA, DOKTORA TEZİ, İSTANBUL ÜNİVERSİTESİ, SOSYAL BİLİMLER ENSTİTÜSÜ, İSTANBUL, 2022
65. Soysal, A. (2010). “Türkiye’de Kadın Girişimciler: Engeller ve Fırsatlar Bağlamında Bir
66. Değerlendirme”, Ankara Üniversitesi SBF Dergisi, Cilt: 65, Sayı: 1,
67. http://dergipark.ulakbim.gov.tr/ausbf/article/viewFile/5000053324/5000050641,
68. (10.03.2018).
69. Tunçay, M. (2003). “Sivil Toplum Kuruluşlarıyla İlgili Kavramlar”, Sivil Toplum, Düşün ve
70. Araştırma Dergisi, Sayı: 1, s. 9-13.
71. UN Environment, (2018), https://www.unenvironment.org/
72. goals/why-do-sustainable-development-goals-matter/goal-11, (07.04.2018).
73. Ürper, Y. (2012). “Girişimcilik Kavramı, Çeşitleri ve Girişimcilikte Etik”, Girişimcilik ve İş
74. Kurma, Eskişehir: Anadolu Üniversitesi Yayınları.
75. Wolff, R. A., Durmaz, Z. D., Çataltepe, O. (2017). “Üniversitelerin ‘Kadın Çalışmaları
76. Araştırma ve Uygulama Merkezleri’nin Rolü ve Önemi”, Karadeniz Sosyal Bilimler
77. Dergisi, Kadın Özel Sayısı, Cilt: 9, s. 365-381.
78. Yıldırım, K(2021) . 21. Yüzyılda Toplum ile Doğa Arasındaki İlişkiyi Açıklayan Etik Yaklaşımlar: Çevre için Erdem Etiği, Çağdaş Yerel Yönetimler Dergisi, Cilt 30, Sayı 4, Ekim 2021, s.119-144